



شادباش سال نو به مردم

از طرف حزب حکمتیست سال نو ۱۳۸۸ را به همه مردم تشنۀ آزادی شادباش می گوییم. رژیم اسلامی سرمایه با تحمیل ابعاد بیسابقه فلاکت، با گسترش تعرض به معیشت کارگران و اکثریت عظیم شهروندان و با تشدید سرکوب و خفغان، شادی فرارسیدن سال نو را به کاممان تلخ کرده است، اما

صفحه ۲

آینده را بسازیم سخنرانی افتتاحیه فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست در کنگره سوم حزب حکمتیست

رفقای عزیز! مهمانان گرامی!
به همه شما خوشامد می گوییم. لحظه
بسیار عزیز و پرشوری است که در
سومین کنگره حزب حکمتیست با هم
هستیم و تجمعی را داریم شروع می کنیم که در آن مهمترین مسائل دنیای امروز و جامعه ای که در آن
فعالیت می کنیم را در دستورمان گذاشته ایم. تجمع شمار بزرگ و متنوعی از کادر های کمونیستی این
جنبش و این حزب که سابقه بعضی از آنها به دهه پنجاه بر میگردد و اکثرا از سده دهه پیش،

صفحه ۲

این سیکل تکراری را چگونه تغییر دهیم رحمان حسین زاده (ضرورت مبارزه موثر علیه تعیین "حداقل دستمزد" دولت سرمایه)

آموختن از درس های "کمون پاریس" بیش از همیشه ضروری است

هدیه نوروزی سران ژریم اسلامی جنایت دیگر علیه انسانیت بود

اعلامیه حزب حکمتیست، تعرض دولت عراق به اعضاء سازمان
مجاهدین خلق، تعرض به اپوزیسیون است و باید قویا محکوم شود

زنده باد آزادیخواهان شهر گوتبرگ:
صفحه ۸

انتر بازی کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر ما موقوف!

ساعت پخش تلویزیون پرتو
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ به وقت تهران
تکرار برنامه ۳۰:۳ تا ۳:۳ نیمه شب

پرتو نشریه مژب کمونیست کارگری مکتمیست
هر هفته جمیع ها منتشر می شودا
پرتو را بفرواید و به دوستان فود معرفی کنیدا

قدرت طبقه کارگر

در حاشیه رویدادی بزرگ که "گزارش نشد"

کورش مدرسی

رویدادهایی که احزاب، سازمانها و رسانه های اپوزیسیون "هم" میپندارند، اگر از دایره مشغولیت جمع به خود مشغول سیاسیون در تبعید فراتر رود به فریاد ها و "شلوغی" های کارگری محدود میشود. یکی از مشخصات چپ خرده بورژوا این است که مکانیسم شلوغی توده خرده بورژوا یکی میگیرد. فکر میکند قدرت طبقه کارگر همیشه در خیابان و در اکسیون و تظاهرات است. بهمین دلیل این چپ جنبش کارگری را تنها بعنوان بخشی از جنبش سرنگونی میپندارد و کارگر را مبارزترین بخش "مردم" یا "خلق" میداند. و نه طبقه ای با اهداف تماماً متمایز از همه طبقات دیگر. اینسا به همین دلیل است که کارگر تنها وقتی اعتصاب میکند یا داد میزند توجه این چپ را جلب میکند.

اما در واقعیت زندگی جامعه مدنی، قدرت طبقه کارگر نه در کمیت آن است، نه در قهرمانی های فردی و نه در "بازو های عضلانی" و مشت های گرده کرده تصاویر رویانی چپ خرده بورژوا از این طبقه. قدرت این طبقه در نقش آن در تولید است. وقایع روزمره زندگی این طبقه که در اعتراض گاه پنهان و گاه آشکار، اما روزمره و هر لحظه در جریان، بیان میشود و هر نشان میدهد غالبا از جمله وقایع "تا مم" اند که به سایت ها، نشریات و رسانه ها و دل مشغولی های ما راه نمیابند.

از جمله این وقایع داستان کارگران بندر در بصره و کارگران یک کشتی باری فیلیپینی است. رفیقی از حزب کمونیست کارگری عراق که تازه از بصره بازگشته بود، ضمن صحبت در مورد فعالیت های اتحادیه کارگران بندر بصره، اشاره کرد که مدتی قبل یک کشتی باربری که اکثر کارگران و ملوانان آن فیلیپینی بوده اند برای باز زدن، گمان میکنم نفت، در بصره لنگر می اندازد. در گپ میان ←

بنادر جهان تبدیل شود. ما باید کمک کنیم که در ایران هم این خبر به گوش همه کارگران برسد و طبقه کارگر متوجه شود که قدرت طبقه کارگر در اتحاد طبقاتی او و در قدرت او در بستن شریان های حیات بورژوازی در جامعه مدن ماست و این قدرت را اعمال کند. این حکم باید به حکم همه کارگران بنادر ایران هم تبدیل شود.

آنچه در بصره گذشت تنها نشانه کوچکی از قدرت این طبقه است.

زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران زنده باد کارگران بندر بصره

برابری، برای برچیدن بساط اقتدار و استثمار سرمایه داری است.

بار دیگر در سال جدید، برایتان شادی پایدار آرزو می کنم.

فاتح شیخ
رئیس دفتر سیاسی حزب
کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست

ذاتی نظام سرمایه داری است، طبیعتاً جنبه های عمقی و تحلیلی مساله اند و لازمند، ولی آنچه هر انسان پایین جامعه فوراً حس می کند اینست که این چه نظمی است که ظرف چنین مدت کوتاهی اینهمه ثروت جامعه را دود هوا می کند، اینهمه خانه خرابی بیار می آورد و هر روز هم ادامه دارد؟! انگار المپیک را برگردانده اند به جای پخش لحظه به لحظه اخبار خوشابند مسابقات، اخبار ورشکستگی بانکها و صنایع را اعلام می کنند! اخبار بازی با سرنوشت بشر را پخش می کنند. چند روز پیش شرکت جنرال موتورز، صاحب مهمترین صنعت اتومبیل سازی آمریکا و جهان، خیلی ساده اعلام کرد که اگر ظرف یک ماه پول به رگهایش تزریق نکند سیصد هزار شغل را در اروپا تعطیل می کند! این

این واقعه بار دیگر نشان میدهد که قدرت ما نه تنها در داد زدن و به خیابان آمدن، بلکه اساساً قابلیت ما در خواهاندن کار، در توانانی ما توقف تولید و در اتحاد طبقاتی میان کارگران است.

آنچه در بصره گذشت باید به مانیفست کارگران بندر بصره تبدیل شود که به همه کشته هایی که در این بندر لنگر میاندازند اطلاع داده شود. باید به همه اطلاع داده شود. در آن زده نشد. در نتیجه لاقن بذرگاری کشته را برداخت نکرده اید، کشته شما از این بندر به هیچ جا نخواهد رفت".

آنچه در بصره گذشت باید به مانیفست و حکم کارگران همه

اسکله داده میشود. کشته عمل توسط اتحادیه کارگران بندر بصره توفیق میشود.

سرانجام این مصاف معلوم است. بعد از مدتی این دست و آن دست کردن و توسل به مقامات عراقی، شرکت صاحب کشته و آن مقامات تسليم میشوند و تمام طلب کارگران در همانجا برداخت میشود.

این واقعه نه در خیابان بود، نه مشتی برای آن گره شد، نه توانام با "آکسیون" بود و شاید فریادی هم در آن زده نشد. در نتیجه لاقن توسط ما گزارش نشد. اما این رویداد یکی از مهمترین رویداد های منطقه ماست. این واقعه قدرت طبقه ما را به هر کارگر و هر کس در جامعه نشان میدهد.

→ کارگران کشته و کارگران بارانداز بصره معلوم میشود که کارگران کشته فیلیپینی ۶ ماه است که حقوق نگرفته اند و از ترس اینکه مبادا هم طلب ۶ ماهه را از دست بدند و هم تماماً بیکار شوند مجبور شده اند بسوزند و بسازند.

رہبران اتحادیه کارگران بندر بصره، با اطلاع از این موقعیت، تصمیم میگیرند که تا زمانی که حقوق کارگران کشته تام و کمال پرداخت نشده از بار زدن کشته خوداری کنند و این تصمیم را عملی میکنند. علیرغم تلاش "مقامات" بندری در بصره، نه آن کشته بار زده میشود و نه حتی به آن امکان حرکت و جدا شدن از

ادامه ازص ۱

شادباش سال نو ...

در مقابل، نفس شادی کردن، گل و بهار و خنده را به خانه آوردن، دوستانه دور هم جمع شدن در این روزها، جلوه دلپذیری از مبارزه ما، ایستادگی ما و همیستگی ما در برایر این رژیم ضدشادی و آزادی است. شادی روزهای نوروزی را قادر بدانیم و زندگی پر مصاف و مشقت مان را با آن طراوت تازه

ادامه ازص ۱

آینده را بسازیم

سخنرانی افتتاحیه فاتح شیخ رئیس دفترسیاسی ... در طول تمام عمر رژیم اسلامی سرمایه که خودش را بر جامعه ایران تحییل کرده، در جنبش کمونیستی فعل بوده اند، به اضافه یک ویژگی جدید: شرکت نسلی از بزرگترین اش کردن، بعد از کشته کمونیستهای حکمتیست در کنگره که بعد از انقلاب ایران متولد شده اند. در شروع کنگره میخواهم توجه نمایندگان و مهمانان عزیز را به ویژگیهای این کنگره جلب کنم چون اکر به ویژگیها توجه نکنیم شاید فقط احکامی را تکرار می کنیم که با تکرارشان تنها آنها را از استفاده میاندازیم. باید بید در چه مقطعی و چه لحظه ای این کنگره را می گیریم، و مایی که امروز کنگره می گیریم امروز چه



خوبی برای متحقق کردن این امکان هستیم. بر عکس، در وضعیت خیلی نابسامانی هستیم. و این به نظر من برای هر کمونیستی و برای هر پیشو اکارگری در هر جای دنیا که با این وضع روبروست نکته گرهی است. این ویژگی را باید شناخت. بحران انقلابی و انقلاب کارگری در می آید؟ این بهبود طرز تفکر ما نیست. ولی وقتی بحران اقتصادی بروز می کند بطور واقعی دو راه پیش می آید: یک راه که بورژوازی طی می کند ایستگاه از روی جنازه طبقه کارگر از نشانه خودش، از هنوز صادق است که طبقه کارگر با وجود جهانی بودنش و استراتژی جهانی اش، ناچار است برای کسب قدرت سیاسی، کار را اول با بورژوازی کشورش پکسره کند.

من به ویژگی دوم که فکر می کنم برای همه ما آشناتر است می پردازم: ویژگی حزب حکمتیست. حزب حکمتیست یک حزب متمایز و درگیر است. متمایز است برای اینکه از روز تولدش بر اساس ضرورت متمایز کردن خودش روی خط منصور حکمت حرکت کرده است و این خط متمایز را ادامه داده و می دهد. اما موقعیتی که حزب ما در یک سال و نیم گذشته، بعد از کنگره دوم، بدست اورده را ما در کنگره دوم پیش بینی کردیم. ما در آن کنگره عزمنان، اراده مان، نقشه مان برای متحقق کردن همچنین پیشرفتی را اعلام کردیم؛ ولی آنچه اتفاق افتاد فراتر از آن چیزی بود که ما احتمالاً در نظر داشتیم. شاید شمار معودی رفاقتی دست اندک کار این چشم انداز را داشته اند، اما این چشم انداز عمومی ما نبود. این اتفاق افتاده است من وارد جزئیات آن نمی شوم ولی امروز اسم حزب حکمتیست با هر دستگیری از مبارزان آزادخواه مطرح می شود. هر کسی که بر اساس مبارزه آزادخواهانه و برابری طلبانه در آن جامعه دستگیری می شود فوراً داغ اتهام حکمتیست بودن می خورد. و این اتهام را به خیلیها می زند. این یک وضعیت واقعی و یک شاهد واقعی در مقیاس اجتماعی است. با وجود این به نظر من یک ویژگی وجود نهایتی طبقه ضعف مهم حزب حکمتیست هم این است که به رغم موقعیت جدیدی که

است، بحث ما نیست بحث خود مجلس اسلامی رژیم حاکم است. آیا این موقعیت به این معنی است که دریچه انقلاب کارگری باز شده است؟ به این معنی است که بطور اتوماتیک از هر بحران اقتصادی، بحران انقلابی و انقلاب کارگری در می آید؟ این بهبود طرز تحلیلی نیست. معنی این برای ما کمونیستها چیست؟ یک کمبود اساسی دهها سال گذشته این بوده که طبقه کارگر در بخش اعظم دنیا از پیشو اکارگری می شود که این نظام به درد جامعه امروز بشر از خود. در عین حال مبارزه طبقاتی در جامعه شفاف و بر جسته می شود. آن حقیقتی را که سالها و قرنهاست مخفی می کند، حقیقت اینکه جامعه طبقاتی است، دولت طبقاتی است، بنای اقتصاد بر صرورت حیاتی دنیا معاصر دنیای قرن بیست و یکم است. و تناقضی که ما بیست سال است از کرده و هنوز هم می تواند بکند. یک راه هم این است که در این بیانیه در چنان رو آورده که سادگی مشاهده می شود. این حقیقت طبقاتی توسعه هر عضو طبقه کارگر دنیا تا مغز استخوان خانه خراب می کند؟

این وضعیت بسیار ویژه ای است و برای هر کمونیست پر اتیکی پیامدهای ویژه دارد. در درجه اول به سادگی معلوم می شود که این نظام به درد جامعه امروز بشر نمی خورد. در عین حال مبارزه طبقاتی در جامعه شفاف و بر جسته دهد که این پیشو اتفاق بتواند با این طبقه درگیر بشود. بتواند دخالت بکند. بتواند نقش خودش را ایفا کند. کمونیسم آشکارتر از همیشه ضرورت حیاتی دنیا معاصر دنیای کارده و رو آورده است. بحران همه گند و گثافت نظام سرمایه داری را چنان رو آورده که سادگی مشاهده می شود. این حقیقت طبقاتی توسعه هر عضو طبقه کارگر دنیا تا مغز استخوان خس می شود.

بالاصله این واقعیت آشکار می شود که دولت طبقاتی است. دولتی که اینهمه افسانه در مردم شکافته شده که گویا مربوط به مردم کشور آمریکا، آلمان و غیره است روشن می شود که این افسانه مطلقاً واقعیت ندارد؛ ماهیت طبقاتی دولت، ماهیت کمیته اجرائی بودن دولت برای سرمایه و سرمایه مالی به روش ترین وجه در دنیای امروز آشکار شده است. و این دنیای سرمایه داری اینچه اتفاق افتاده است. در سازمانهای آن انقلاب، ده ماه قبل از پیروزی انقلاب، خطاب به جوانان سوسیالیست در سویس می گوید من مطمئن که انقلاب سوسیالیستی می شود ولی امکان دارد به عمر من قد ندهد، ده ماه بعد همین کسی که این حرف را زده بود در راس دولت شوراها و انقلاب کارگری پیروزمند روسیه فرقه. این یک امکان است. آیا امروز طبقه کارگر برای تحقق این امکان آمده است؟ فکر نمی کنم کسی در سال این کنگره و کسی از جریان ما در هر جای دنیا، دچار این توهم و خودفریبی باشد که در وضعیت

بسیار این بحران، به مبارزه طبقاتی نسبت به هر مساله دیگر دنیا شفافیت و بر جستگی داده است. او باما با یک پلانفرمی آمد آن با پلانفرم دیگری کار می کند که در صفحه مبارزه طبقاتی کل بورژوازی آمریکا با طبقه کارگر است. همه دولتها، همه جنگاهای

رحمان حسین زاده

این سیکل تکراری را چگونه تغییر دهیم

(ضرورت مبارزه موثر علیه تعیین "حداقل دستمزد" دولت سرمایه)

دولت آنها علیرغم تمام ارزش آن تاکنون نتوانسته مانع تداوم تعریض وسیع به زندگی و معیشت طبقه کارگر و مزدیگیران جامعه بشود. چنانکه روشهای اعتراضی موثری در مراکز و محیط‌های کارگری و به ویژه مراکز کلیدی کارگری شکل نگیرد، کمپینهای کنونی همچون اسکلت بدون گوشتش و پوست باقی خواهد ماند. در این تردیدی نیست، هر مبارزه جدی کارگری به کمپینهای حمایتی در داخل و در سطح بین المللی نیازمند است، اما مشکل انجا است که مرز بین اعتراض موثر کارگری با کمپینهای حمایتی آن محدودش می‌شود. طومار نویسی و کمپین حمایتی جای اقدام اعتراضی ممکن کارگران را ←

است غیر موثر و نمی‌تواند سد کننده تعریض سبعانه‌ای باشد که سرمایه داران و دولت آنها علیه طبقه کارگر سازمان داده است. این سیکل تکراری را باید تغییر داد

در مقابل اقدام گستاخانه و یکجانبه "تعیین حداقل دستمزد" سالانه سبعانه‌ای داران و دولت اسلامی آنها در داخل و خارج کشور اعلام نفرت و اعتراض وسیع است. بدرست اقدامات و کمپین‌ها و طومارنویسی اعتراضی قابل توجه به جریان می‌افتد. این سیکل اعتراضی هم اکنون و امسال نیز در جریان است. اما واقعیت است که صفت موثر و قدرتمند اعتراض کارگری اینست، این کمپین‌ها و طومار نویسی و دهانه‌بیانیه اعتراضی محکوم کردن سرمایه داران و

جدید دستمزدها هر چه باشد، هر کارگر آنکه باید بداند، مبنای ادامه تعریض دولت سرمایه داران به سفره خالی میلیونها خانواده کارگری نه از "ندانم کاری آماری" "بانک مرکزی" بلکه از ندین در مقابل موثر کارگران و مزدیگیران جامعه در مقابل سرمایه داران و دولت اسلامی آنها کنند، این واقعیت است که هر ساله زندگی زیر خط فقر را بر میلیونها خانواده کارگری تحمل کنند، این واقعیت است که صفات موثر و قدرتمند اعتراض کارگری را در مقابل این تعرض لجام گشیخته نمی‌بینند. عکس العمل اعتراضی که هم اکنون در جریان نمایندگان سرمایه برای کاهش

نظر من اینست که حد فاصل بین گذشته و آینده است، همچنانکه بحران اقتصادی جهانی حد فاصل دنیای سرمایه داری با کل تاریخ چهل ساله گذشته اش است، یک وضعیت جدید است. این کنگره هم باید حد فاصل تاریخ جدیدی در حزب حکمتیست باشد. آینده دنیا، ایران و حزبمان را چطور می‌توان پیش بینی کرد؟ جمله مشهوری هست که من به آن سپاهی دارم: "بهترین راه پیش بینی آینده ساختن آن است". شما اگر دست اندک کار ساختن آینده باشید به عنوان معمار آن می‌توانید تصویر کمابیش روشی از آن در ذهن داشته باشید. فرق انسان با زنبور عسل این است که زنبور کندوی خیلی قشنگ و منظمی می‌سازد ولی از قبل چیزی در ذهن ندارد، ذهنی ندارد، کارش از سر غریزه است. در حالیکه انسان معمار کار خودش است و تصویر آنچه می‌سازد را قبلا در ذهن دارد. فراخوان من به این کنگره این است که شروع کنیم آینده را سازیم. و از همین امروز بسازیم. موفق باشید!

متاسفانه هیچ بخشی از طبقه کارگر در هیچ جای دیگر دنیا آن را در اختیار ندارد. در کنار این واقعیت چهره هایی در این کنگره و صفت وسیعی از نسل جوان امروزی حکمتیست خوشبختانه در کنار این کارد قدیمی و نسل پیشکسوت قرار گرفته اند و دوش به دوش هم داریم یک امر مشترک را جلو می‌بریم. اگر ارزش تجربه و کاردارانی نسل‌های قبلی خیلی اهمیت دارد، این طرف هم ارزش انرژی، شور، عمق نظر، وسعت دید، تیزبینی، میلیتانسی است و ترکیب این نسلها به نظر من حزب ما را به یک قدرت و پتانسیل بی نظری مسلح می‌کند. ما باید در این کنگره این قدرت بی نظیر را سازمان بدیم، راهش را نشان بدهیم، استراتژی اش را روشن کنیم و بدانیم که با یک دوره کاملا تازه ای روبرو هستیم. بدانیم که این ساقمه را فقط از سر ارزش آن و میراث سیاسی و فکری آن باید در نظر گرفت، نباید به آن برنگشت، به هیچ دوره ای نباید برگشت حتی به دوره اوج حرث کمونیست کارگری نباید برگشت.

دهه بطرور واقعی به اوجی در سطح جامعه رسید که به عنوان تنها نماینده کمونیسم شناخته شد و روی نقشه سیاسی ایران قرار گرفت ولی متاسفانه گسلی در آن ایجاد شد، من فکر می‌کنم موج سوم حرکت حزبی ما دارد به آن سطحی می‌رسد که در گذشته دو بار دیگر به آن رسیده ایم، منتظر این بار در یک سپرال بالاتر، بسیار مساعدتر، بسیار نیرومندتر خیلی اهمیت دارد، این طرف هم ارزش انرژی، شور، عمق نظر، وسعت دید، تیزبینی، میلیتانسی است و ترکیب این نسلها به نظر من می‌خواهم اینجا به یک ویژگی دیگر به حضور سه نسل از فالین کمونیست و رهبران کمونیست جامعه در این کنگره اشاره کنم. این واقعیت بسیار شورانگیزی است: ارزش تجربه در تاریخ پیش از این کنگره این است که به این مسائل و موانع پیردادزد. این ایجاد را چگونه بست بیاوریم؟ کم شناخته شده ولی خیلی اهمیت دارد. اینکه بخش بزرگی از حاضران این کنگره یک کوله بار تجربه انقلابی و کمونیستی سی ساله را با خود دارند و خوشبختانه با انرژی کامل و با شور کامل دارند این تجربه را در خدمت تغییر وضعیت امروز می‌گذارند، یک سرمایه بزرگ است که هیچ

→ بست آورده، بشدت بنی اش برای رودروری با وضعیت ویژه جهانی و مصاہدهای آن ناکافی است. بشدت عضله هایش برای این نبرد ضعف است. بشدت ابزارهای نارساست. و این معضل جلو روی ما قرار گرفته است. اگر قرار است امکان را به واقعیت بالفعل متحقق کنیم جز با بنی قوی جز با سازمان نیرومند حزبی جز با ابزارهای سراسری، جز با ارگانهای اقتدار توده ای، خیلی اهمیت دارد، این طرف هم ارزش انرژی، شور، عمق نظر، وسعت دید، تیزبینی، میلیتانسی است و ترکیب این نسلها به نظر من می‌خواهم اینجا به یک ویژگی دیگری که این کنگره یک کنگره ویژه است معنی آن این است که به این مسائل و موانع پیردادزد. این ایجاد را چگونه بست بیاوریم؟ تاریخ سی ساله ای که طی کرده ایم و سه دوره اوج اجتماعی جنیش کمونیستی برخاسته از انقلاب ۵۷ ایران است: یک دوره در ده سال اول بعد از انقلاب در حزب کمونیست ایران که گرایش ما در آن شریک اصلی بود، یک دوره بعد از تشکیل حزب کمونیست کارگری که طی یک

دُنیا بِدون فراخوان سوسياليسِم، بدون اميد سوسياليسِم، بدون "خطر" سوسياليسِم، به چه منجلابي بدل میشود!

شهرداریها بی تحرک بمانند، واقعیت اینست تلاش مبارزاتی ما کم حاصل باقی خواهد ماند. این صورت مسئله هر جریان و فعل کارگری جدی چه در خود این مراکز کارگری و چه در شرک واحد و اتحادیه کارگران آزاد و هر جریان سوسيالیستی کارگری است که راه جلب کردن این بخشای کارگری را به این مبارزه حیاتی طی کند. بخشای مهم کارگری و رهبران و فعالین آن را همانند بخش آمده کنونی به این مبارزه علاقمند نکند. جریانات و رهبران و فعالین کارگری که اهل این کار باشند، خود راه حل مسئله را دارند.

ب- مبارزه سراسری علیه "دستمزد تعیین شده" جمهوری اسلامی مبارزه ای فرا کارخانه ای و فرا صنفی را میطلبد. در نتیجه اتحاد و همبستگی محکم رهبران و فعالین منتخب چند کارخانه و مراکز کارگری متکی به اراده جمعی و مجمع عمومی کارگری حول خواست مشترک و تعیین شده پایه دستمزد کارگران و پروردگاری تعیین دستمزد ها یک مسئله محوری است. بر این اساس تعیین هیئت نمایندگی کارگران برای تعیین دستمزدها و مذاکره حول آن و معرفی آن به جامعه کارگری اهمیت دارد.

ج- برای درهم شکستن مقاومت سرمایه داران و دولت حامی در مقابل خواست افزایش دستمزدها و چگونگی تعیین آن، روشهای مبارزاتی موثر لازم است. از اعتماد و تحصن هماهنگ همه مراکز کارگری درگیر تا تجمع و گردهمایی و روشهای دیگر، امر رهبران و فعالین دست اندرکاری است که با درایت و تشخیص هر لحظه تناسب قوا روش مبارزاتی موثر و ممکن را پیش پای کارگران میگذارند.

د- در مبارزه برای افزایش دستمزدها طبیعی است، کمپینهای حمایتی و تبلیغاتی و طومارهای اعضا ای که در داخل و خارج کشور در جریان است بسیار با اهمیت هستند و تقویت کننده این مبارزه اند و لازمست با تمام توان تقویت شوند.

کارگری فراتر از کمپین و طومار نویسی اعتراضی صحبتی از چه باید کرد موثرت دیده نمیشود، لذا علیرغم نیت خیر این تشکلهای آنگاه چسپیدن به طومار نویسی اعتراضی و فعالین تبلیغاتی، چیزی جز چسپیدن به یک سیکل تکراری کم تاثیر و کم حاصل در چند سال اخیر نیست. این سیکل تکراری را میتوان و باید تغییر دهیم.

چه باید کرد؟

هر گام از کشمکش بر سر "تعیین حداقل دستمزد" را با انتکا به نیروی مبارزه کرده اند. این کشیدن نیروی طبقاتیمان به ویژه در بخشای موثر کارگری میتوانیم به نفع طبقه کارگر تغییر دهیم. یا طبقه کارگر و پیشوایان مطلب به این مسئله مپردازم.

مسئولین تشکلهای صادر کننده بیانیه ۲۵ اسفند متوجه آن نباشند، اما به نظر من فشار تناسب قوای به شدت نامساعد علیه کارگران، محدودیتهای متعددی که بر دست کارگری سنگینی میکند، آنان را یک سیکل تکراری کم تاثیر و کم حاصل در چاره جویی اتخاذ روش مبارزاتی موثرتر، شیوه کم تأثیر طومار نویسی- تبلیغاتی را شاید هم از نظر آنها به عنوان پیش درآمد اقدامات موثر بعدی به صدر چه باید کرد از امروز تا اول مه اینده آبیزه کرده اند. این روش تاکتیک- پروسه و تدریجی گمراه کننده است و به جای آن تاکتیک واقعی و موثر و ممکن را باید پیشه کرد. در بخش پایانی آن میتوانیم بر پراکندگی و برد محدودی دارند.

بیانیه مشترک تشکلهای کارگری که به تاریخ ۲۵ اسفند توسط سندیکای کارگران شرکت واحد و اتحادیه آزاد کارگران و انجمن صنفی برق و فلز کار کرمانشاه صادر شده از این دست است. فراخوان اصلی این بیانیه از حالا تا مقطع اول مه امضا گذاشتن پای طومار اعتراضی است. خود این تشکلهای در همین بیانیه اذعان کرده اند، که قبل از اعلام حداقل دستمزد توسط شورایعالی کار، طومار اعتراضی ۱۵ هزار نفره را به آن نهاد ضدکارگری و همه نهادها و مقامات جمهوری اسلامی ارائه کردن و رژیم ضد کارگری و دم و دستگاهش وقعي نگذاشتند. در نتیجه اولین درس خود این پرسه برای ما و صادر کنندگان این بیانیه این حقیقت است که علاوه بر طومار نویسی به سیاست و روش مبارزاتی موثرتری نیازمندیم. فرض کنیم تا مقطع اول مه تعیین شده، توانسته باشیم یک طومار یک میلیون امضاپی را به شورایعالی کار و دولت سرمایه داران ارائه کنیم، واقعیت اینست اینکار هنوز نمیتواند فشاری بر آنها وارد سازد. "جناب وزیرکار جهرمی" میتواند، دریافت ان را اعلام کند و با فرمول آشناي "در دست بررسی است" ماهها کارگران را در انتظار نگه دارد و طومار ما را بایگانی کند. اینها واقعیتی که بعد میدانم دست انکاران و

برای درهم شکستن مقاومت سرمایه داران و دولت
حامی در مقابل خواست افزایش دستمزدها و
چگونگی تعیین آن، روشهای مبارزاتی موثر لازم
است. از اعتماد و تحصن هماهنگ همه مراکز
کارگری درگیر تا تجمع و گردهمایی و روشهای
دیگر، امر رهبران و فعالین دست اندرکاری است
که با درایت و تشخیص هر لحظه تناسب قوا روش
مبارزاتی موثر و ممکن را پیش پای کارگران
میگذارند.

مشکلات کنونی فایق آییم و در نتیجه چنان قدرت و اعتراض و روش مبارزاتی موثر را به میدان پکشیم، که گام به گام به این طومار اعتراضی داران و دولت اسلامی را به عقب براند، یا وضعیت کنونی و ادامه تعریض سرمایه داران به سفره خالی ما ادامه دارد. برای تغییر وضعیت کنونی در مبارزه علیه تعیین حداقل دستمزد دولت سرمایه توجه به چند مسئله زیر حیاتی است:

الف- بدون درگیر شدن چند مرکز مهم و کلیدی کارگری، پس زدن "حداقل دستمزد" اعلام شده دولت سرمایه اسلامی سخت است. در این مبارزه سراسری طبقه کارگر، مادام که مراکز کلیدی همچون نفت و ذوب آهن و ایران خودرو و ماشین سازیها و بخشای وسیع کارگری خدمات عمومی و

اینجا میخواهیم تاکید کنم صحبت من ابدا بر نالازم بودن ارائه طومار اعتراضی نیست، شخصا حاضرمن پای این طومار اعتراضی داران و دولت اسلامی را به عقب امضا بگذارم، اما صحبت اینست طومار اعتراضی در چه متنی از اعتراض کارگری و با چه جایگاهی و حتی توسط چه نهادهایی ارائه میشود. در شرایطی که تحرک مادی و زمینی و به میدان اوردن نیروی اعتراضی واقعی توسط مراکز کارگری و به ویژه بخشای کارگری کلیدی کارگری در مقابل با تعیین حداقل دستمزدهای رژیم نه تنها به چشم نمی خورد، حتی توسط نهادها و فعالین کارگری نقدی و یا عطف توجیهی برای چاره جویی این بی تحرکی کشته و وجود ندارد، در شرایطی که در میان همین تشکلهای و نهادهای

فاتح شیخ

آموختن از درس‌های "کمون پاریس" بیش از همیشه ضروری است

حد دستمزد عادی کارگران، پایین کشیدن ستون و انداوم سمبل ناسیونالیسم فرانسه، سوزاندن گیوتین ها بعنوان سمبل مجازات اعدام و ... همچنین با تصویب مقرراتی در جهت بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و توده های خرد بورژوازی، نظیر لغو کار شبانه ناتوانانه ها، سپردن کارخانه های رها شده به تعاملیهای کارگران، لغو اجره ها و سفته ها و ...، تعریض معینی به سرمایه کردند. اما دامنه اقدامات انقلابی و تعریض به سرمایه محدود بود. تجربه کمون نشان داد که طبقه کارگر بدون فرار قرن از کسب قدرت سیاسی به انقلاب اقتصادی و بدون دست بردن به ریشه مشقات طبقه کارگر یعنی سیستم مالکیت بورژوازی و برگی مزدی (انقلاب مدام در قلمرو اقتصاد) نمیتواند قدرت سیاسی را هم نگاهدارد و دیر یا زود مجدداً بوغ حاکمیت سرمایه و سرکوب بورژوازی را بر گردن خود خواهد یافت.

با اینهمه کمون پاریس، بعنوان نخستین تجربه مسلح شدن کارگران در ابعاد صدها هزاری و تن ندان به تلاش بورژوازی برای خلع سلاح آنها، بعنوان نخستین تجربه در دست گرفتن قدرت توسط کارگران و اعمال حکومت شورانی، بعنوان تجلیگاه انسانیت و عدالتخواهی طبقه کارگر، بعنوان صحنه بروز قهرمانی و جانشانی طبقه کارگر برای رهانی از برگی و تحیر طبقاتی، نقطه عطفی مهم و فراموش نشدنی در حیات طبقه کارگر است. مارکس در گرماگر روبردهای کمون در نامه ۱۷ آوریل خود به کوگلمان مینویسد: مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار و دولت آن، با کشمکش پاریس وارد فاز جدیدی شده است. نتایج بلاواسطه هرچه باشد، یک نقطه حرکت دارای اهمیت جهانی-تاریخی بدت آمده است (جلد ۴، مجموعه آثار انگلیسی مارکس ←

و آلمان و کل سرگذشت قیام پاریس و شکست آن را در متن اسناد درخشنایی به گنجینه غنی تئوری کمونیسم اضافه کرد. دو قطعنامه درباره جنگ فرانسه و آلمان و رساله "جنگ داخلی در فرانسه" راجع به کمون، که هر سه به قلم مارکس و به نام انترناسیونال هم زمان با رویدادها منتشر شدند، تمام تجارب و درسها، تمام دستاوردها و کمبودهای این خیزش شورانگیز کارگری را با دقت و موشکافی بی نظیر و نیز با انصاف و مسئولیت شیبور شروع انقلاب کارگری را اختیار کمونیستها و کارگران انقلابی و نسلهای بعدی شان گذاشتند.

از میان این تجارب، در این اشاره کوتاه، تنها میتوان بر چند مورد از مهمترها تاکید گذاشت و خواننده را برای آموزش بیشتر به مطالعه نوشته های مارکس و انگلیس و لنین در این زمینه فراخواند. از مهمترین تجارب اینکه قیام پاریس که با گرفتن قدرت توسط کمیته مرکزی "گارد ملی" شروع شد و دولت بورژواها را به فرار و داداشت، تعریض خود را ادامه نداد، دولتیان فراری را بحال خود گذاشت و نیرویشان را متلاشی نکرد. تجربه کمون نشان داد که طبقه کارگر نمیتواند ماشین دولتی بورژوازی را دست نخورده در اختیار بگیرد، بلکه برای پیروزی ناچار است آن را در هم بشکند، یک وجه اولیه تداوم انقلاب، در هم شکستن کامل ماشین دولتی بورژوازی است. تجربه دیگر اینکه کمیته مرکزی خیلی خود پای انتخابات رفت و قدرت نصرف شده را قبل از تحکیم و تشییت آن در اختیار ارگانهای انتخابی شورانی گذاشت. کمونارها در فرست کوتاه در دست داشتن قدرت، دست به اقدامات انقلابی مهمی زدند: لغو ارتش سنتی و جایگزینی آن با تسليح همگانی، جدا کردن کلیسا از دولت و قطع مستمری دولتی کشیشان، تعیین حداقل حقوق کارکنان کمون در

"دفاع ملی" سر کار آمده بود. ارتش آلمان پاریس را محاصره کرده بود. چندین بار کارگران پاریس سورش کرده و سرکوب شده بودند. هم و غم دولت فرانسه سرکوب نهانی کارگران بود و حاضر بود در آن راه هر سازش خفتاری با آلمان را بجان بخرد. ۱۸ مارس ۱۸۷۱، کمینه مرکزی "گارد ملی" در برابر تلاش دولت برای خلع سلاح کارگران و در آوردن توبهای از دست "گارد ملی" قاطعه ایستاد قدرت را به دست گرفت، دولت را فراری داد و شیبور شروع انقلاب کارگری را در یک پاخته بزرگ اروپائی به صدا در آورد: "کمون پاریس"، نخستین حکومت کارگری متولد شد.

در آن زمان "انترناسیونال" بعنوان یک سازمان جهانی و یک اتحادیه فراکشوری کارگران، هفت سال بود در راس مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی همه کشورهای قاره اروپا حضور فعال و دخالتگر داشت و به فاکتور موثری در رشد استقلال سیاسی و همبستگی طبقاتی کارگران تبدیل شده بود. میزان تاثیر انترناسیونال بر کمون را میتوان با موج تفرق و هیاهویی سنجد که دولتهای بورژوا بدبانی قیام پاریس علیه انترناسیونال برای اندختن مارکس در جواب آن هیاهو بسادگی توضیح داد: قیام پاریس توسط کارگران پاریس صورت گرفته است. نتیجتاً فعالترین کارگران، در جواب آن هیاهو بسادگی انتساب از چنان شکست هایی لازم است مکررا تجربه کمون پاریس و انقلاب اکتبر را در صفوف خود آموزش دهد. انتشار مجدد این متن ادای سهمی در این زمینه است.

یاد "کمون پاریس":
همیشه زنده و آموزنده
۱۸ مارس سالروز "کمون پاریس" را هر کارگر انقلابی، هر کمونیست و هر مبارز آزادخواه و برای طلب باید از دل و جان بزرگ دارد و برای آموختن و آموزش تجربه هایش تلاش کند. روز قیام پاریس، نه ماه از جنگ فرانسه و آلمان گشته بود. در آن فاصله ارتش فرانسه شکست خورده و ناپلئون سوم اسیر شده بود. در فرانسه حکومت جمهوری

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است

هدیه نوروزی سران ژریم اسلامی جنایت دیگر علیه انسانیت بود رضا کمانگر

جاسوسی را در کشورهای خود را بینند و جنایتکاران اسلامی که زیر لوای دیلمات‌توجیه گر جنایت سرانشان هستند اخراج کنند.

دانخواهی مردم!

محاکمه سران رژیم، از خامنه‌ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و خاتمی تا شاهرودی و شکنجه گران و زندانبان خواست اکثریت جامعه ایران است. مرگ امید رضا میرصیافی پرونده جنایتشان را نزد مردم ایران سنگینتر کرده است!

www.r-kamangar.com

جامعه ایران دارند. اعدام‌های مستجمعی، سرکوب طبقه کارگر، سرکوب جنبش برابری طلبی زنان و سرکوب جوانان و روش‌فکران و بی‌تردید روزی باید مورد محکمه عدالت‌های مردم قرار بگیرند.

دولتها در مماشات با سران رژیم اسلامی! مناسبات دولتهای اروپایی که به اصطلاح طرفدار حقوق بشر هستند با سران رژیم قاتل و جنایتکار باید مورد مواخذه مردم آزادخواه قرار بگیرد، در این ربطه دولتهای اروپایی باید از لاس زدن با سران رژیم اسلامی بر سر حقوق بشر ایران شرم کنند و دست از لاس زدن بکشند و کلیه لانه‌های

بود و فشارش زیر ۷ بود»، وی از بهداری زندان می‌خواهد که این بلاگ نویس را به بیمارستان خارج از زندان منتقل کند که با مخالفت

مسئلان زندان مواجه می‌شود و امید رضا در نهایت جان می‌سپارد.

کشنامید رضا هدیه نوروزی سران رژیم به توقع آزادخواهی!

سران جنایتکار رژیم و مزدوران زندانباشان اولین و آخرین جنایتشان علیه آزادخواهی و عدالت طلبی نیست و نخواهد بود، این رژیم وحشی طی سه دهه اخیر پرونده قطوری از جنایت و حشیگری علیه ۷۰ میلیون

خبرمرگ امید رضا میرصیافی زندانی سیاسی و بلاگ نویس در روز ۲۸ اسفند در زندان اوین قلب هر انسان شرافتمدی را بدرد آورد.

میرصیافی تنها به بجرائم نوشتن عقابش دستگیر می‌شود بعد از شکنجه‌های وحشیانه در یک دادگاه فرمایشی به دو سال و نیم زندان محکوم می‌شود.

به گفته دکتر حسام فیروزی که خود نیز یک زندانی سیاسی است و پیش از مرگ این و بلاگ نویس وی را معینه کرده است، از آنجا که امید رضا به «دلیل خوردن تعداد زیادی قرص پروپرانولول با افت شدید فشار خون و کاهش تعداد ضربان قلب رو به رو شده

و برانداختن بساط سرمهایه تردید نکند. بویژه در این دوره سناریو سیاه جهانی، کارگران انقلابی و حزب کمونیستی طبقه کارگر، باید با این درس ارزش‌نده "کمون پاریس"، خاطره عزیز کمونارهای قهرمان را گرامی بدارند. "کمون پاریس" برای همیشه زنده و آموزنده است. زنده باد کمون! زنده باد کمونیسم!

ببرند و به قهر متولی شوند، تلاش آزادخواهانه آنان را "خشونت" مینامد. تجربه کمون این دروغ سازمانیافته بورژوازی و قلم بدستان مزدورش را، که در واقع مکمل خشونت سازمانیافته بورژوازی علیه طبقه کارگر است، تماماً رسوا کرد. تجربه کمون به طبقه کارگر می‌آموزد که مرعوب این دروغ بزرگ انقلابی خود برای گرفتن قدرت

کارگر، از کل طبقه انتقام گرفت. در حالیکه در طول قدرت کمونارها شمار کشته شدگان از شصت نفر تجاوز نکرد. بورژوازی هرگز از معادل شمردن انقلاب با "خشونت" دست برنداشته است. بورژوازی که فقط با اعمال خشونت سازمانیافته دولتی قادر به تحمیل یوغ حاکمیت و استثمار خود بر گرده طبقه کارگر است، هرگاه کارگران بورژوازی در برابر جسارت و برای رهائی خود به اسلحه

→ وانگلس، ص ۷.
"کمون پاریس" تنها دو ماه و ده روز توانست در قدرت بماند؛ ۲۸ مه آخرین رزمدگان آن در مقابل نیروی دهها برابر بیشتر لشکر دشمن از پا در آمدند و قهرمانانه جان باختند. بورژوازی چون درنده زخم خورده به جان کارگران انقلابی افتاد، سی هزار تن را قتل عام و چهل هزار را زندانی کرد. تعرض بخش انقلابی طبقه

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معارض، تریبون آزادخواهی است.

کمکهای خود را می‌توانید به شماره حساب زیر واریز کنید.



دارنده حساب : A.J

شماره حساب : ۶۰۲۸۱۷۱۹

کد بانکی : ۲۰۵۸۵۱

نام بانک : Barclays

اعلامیه حزب حکمتیست ، تعرض دولت عراق به اعضای سازمان مجاهدین خلق، تعرض به اپوزیسیون است و باید قویاً محکوم شود

محکوم میکند و اعلام میکند که دولت عراق با همدمتی با جمهوری اسلامی ایران خود را شریک جرائم ضد بشری حکومت ایران خواهد کرد. دولت عراق باید فوراً به محاصره و تعرض به اعضای سازمان مجاهدین خاتمه دهد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲۸ اسفند ۱۳۸۷ - ۱۸ مارس ۲۰۰۹

تمام ساختمان و ماموران سفارتی را محاصره کرده بودند، و بنوبه خود پلیس و مزدوران رژیم نیز در محاصره مردم!

درست مثل روز گذشته مراسم ورود ماموران رژیم اسلامی پر از کشمکش گردید، دیوار حفاظتی پلیس مانع از گوشمالی ماموران و اثبات تخم مرغها به این حضرات نگردید. اما این تازه اول کار بود. طی روز کشمکش با پلیس بمراقب سخت تر از گذشته شده بود. نیروی تقویتی پلیس و بیش از آن خشونت پلیس در مواجهه با نظاهر کنندگان بسیار مشهود بود. پلیس و سگ و تجهیزاتشان منطقه را تئیید بودند. هیلکوپتر پلیس بر فراز منطقه در حال گشت زنی بود. اما اینهم، تظاهرات پر شور به جای خود، حتی

این توطئه صورت میگیرد، همه کسانی که آرزوی به گورسپردن جمهوری اسلامی را دارند، باید این تعرض را محکوم کنند و از دولت عراق بخواهند که فوراً به محاصره و فشار معیشتی بر اعضای سازمان مجاهدین خاتمه دهد.

واقعیت این است که هم عداوت و هم سازش در صفت دشمنان مردم، هم دوستی و هم جنگ شان، اگر مردم نظاره گر خاموش باشند، اولین قربانی آن مردم خواهند بود.

حزب حکمتیست این تعرض را

برای رضایت جمهوری اسلامی و در همدمتی آشکار وزارت اطلاعات آن، به آن دست زده است.

چشم انداز گسترش مناسبات دیپلماتیک غرب با ایران و همکاری آشکار دولت عراق با ایران، به بهای توطئه علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی و اعمال فشار به آن را باید قویاً محکوم کرد.

مستقل از دوری و نزدیکی نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی به سازمان مجاهدین و مستقل از هربهانه "محکم پسندی" که در پناه آن

باشد، گزارش خبرگزاریها، دولت عراق در همدمتی آشکار با جمهوری اسلامی اعضا سازمان مجاهدین خلق در عراق را مورد تعرض دیگری قرار داده است. دولت عراق با محاصره اردوگاهها و محل اقامت اعضا این سازمان و بستن راه ورود آذوقه به آن، رسمی یکی از جریانات اپوزیسیون جمهوری اسلامی را مورد تعرض قرار داده است.

این تعرض بی تردید توطئه ای آشکار علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که دولت عراق

زنده باد آزادیخواهان شهر گوتبرگ:

انتر بازی کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر ما موقوف!

کمیته گوتبرگ حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کوتاه نیایند. کسی برود از اطوار کنسولگری یک کشمکش تمام عیار سیاسی ساختند. دفتر و دستک سرویس متخصصان یک دقیقه پلیس صحنه را ترک اسلامی رتق و فتق طلاق و میکرد تکلیف آنها چه میشد؟! هر تماشاگر، هر رهگذر میتواند با هم یک نمایش بود. با کراوات و کیف در مرکز شهر تشریف آورند تا فضای سیاسی و مردم بدده که مردم معتبر چگونه میکردند. از این پس، هر مسئول خیلی ساده و در دو کلمه شهادت مجهز چیزی جز یک کاریکاتور رسوافراتر نرفت. اما در طرف کاسه و کوزه رژیم را به لجن کشیدند. از این پس، هر مسئول دولت سوئد میتواند چرتکه بیاندازد که النگ و دولنگ کارگزاران باختند. حالا میتوانند شکر حاصل کار خود را میل نمایند. رژیم به چه قیمت سنگینی تمام خواهد شد. این یک کشمکش مخصوص تر و آماده تر بود. این سیاسی بود. سفارت جمهوری اسلامی، دولت سوئد، پلیس و مقامات پلیس از دو روز ادا و برای حضور داشت و در حالی که

هجمهم ماه مارس روز دوم از بساط و عده داده شده از کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر گوتبرگ بود. در این روز، مقابل ساختمان Folket Huset

صدها نفر از مردم آزادیخواه سنگ تمام گذاشتند. ادا و اطوار کنسولگران رژیم در پشت دیوار اتوموبیلها و گارد بزرگ پلیس مجهز چیزی جز یک کاریکاتور مقابله موجی از اعتراض، شور، تهییج و ابتکار اعتراضی حکایت از خون آزادیخواهی و حق خواهی عليه رژیم سر تا پا کثافت اسلامی در ایران داشت. اینجا مرد و زن و پیر و جوان گرد هم آمده بودند، خود را بدر و دیوار زدند که یک سر سوزن از کیفرخواست بر حشان علیه حکومتی سرکوبگر

نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی

کنسولگری، تازه عملیات خروج
مداوم میان مردم و نیروهای پلیس
نگردید. در یک مورد دو نفر از
همکاران سفارتی ها به مردم
توهین کرد و هممان به یکنفر که
نژدیگ انها سرگرم کار خبر
نگاری و عکس گرفتن بود حمله
کردند. مردم با دیدن این صحنه
دیوار حفاظتی پلیس را شکستند و
آن دو مزدور را زیر ضرب و
شتم خود گرفتن که با سر و
صورت خونین به وسیله پلیس از
چنگ مردم بیرون آورده شدند و
پلیس آنها را در ساختمان بازداشت
کرد.

یک بار دیگر مردم به ساختمان
حمله کردند که بر اثر تراکم
جمعیت و فشار و ضرب پلیس
یکی از فعالین تظاهرات آسیب دید
و آمبولاس به محل اعزام شد. در
مورد دیگر در جریان کشمکش با
پلیس و در مقابله با مثل خشونت
واحدهای پلیس، یکی نفر دیگر نیز
زخمی گردید. حضور هر چه
بیشتر مردم معارض صدای
شعارها، موزیک و سخنرانی فضا
را تبدیل ساخته بود، در ساعت

در نهایت خفت و شکست و
مانور این بار نیز مزدوران رژیم
رسوابی به کمک پلیس سوئد از
محل گریختند.

قرق کرده بودند. همزمان با این
سفارتی ها در دستور کار پلیس
قرار گرفت. از اینجا به بعد دیگر
را از همان درب فرعی ساختمان
بیرون آوردن. مردم به آنها حمله
کردند. ماموران "شجاع اسلامی"
متوجه واحدهای پلیس گشت.
سلام زیجی در حالی که باندگو
گرفته بودند در میان باران تخم
در حالی که دست روی سرشان
دستش بود در میان تجمع پلیسها
مرغ و حمله مردم در حلقه وسیع
قرار گرفت و خطاب به آنها گفت:
مرغتان باد! شما دو روز است که
پلیس خود را به یکی از ماشینهای
خصوص رساندند. مردم دنبالشان
امنیت یک مشت تروریست و
میکرد و چند صد متر بعد در سر
زدن کردند. پلیس با واتمود کردن



یک کار باید برای شما ننگی
بحساب بیاید. اینها فقط دشمن و
قاتل مردم ایران نیستند، دشمن و
تزویریستهای هستند که موجودیت
همه مردم دنیا و از جمله جامعه
شمشمگین تمامی نداشت. بالاخره
سوئد را به مخاطره

یکی دیگر از کوچه ها با تجمع
اتوموبیلهای خود، تصمیم به فریب
حالی در داخل ماشینها بودند و دها
پلیش اطرافشان را گرفته بود اما
کماکان تخم مرغ ها و حمله مردم
بعد از ظهر تجمع مردم صدها نفر
را شامل میگشت. این فضا را
برای خروج ماموران رژیم غیر
ممکن میساخت. ساعت هفت و نیم
بعد از ظهر، سه ساعت پس از
زمان رسمی پایان نمایش

انداخته اند. شرم کنید،
اگر این لباس ها و شغلی که دولت
و مسولیتتان به شما محول کرده را
ترک کنید، شرافتمدتر هستید.
در پایان دو روز کار فشرده و دو
روز تظاهرات شور انکیز، پس از
دو روز خفت دادن و شکست و
رسوائی جمهوری اسلامی، یکبار
دیگر مردم و تظاهرکنندگان در
 محل تجمع کردند. اینجا فرصتی
بود که سازماندهنندگان و فعالین
این حرکت دو روزه هر کدام به
نوبه خود از شرکت کنندگان تشکر
کنند و خسته نباشید بگویند. از
جمله سخنرانان سلام زیجی از
طرف واحد تشکیلاتی حزب
حکمتیست بود. او از استقامت،
شجاعت و مليتانت بودن مردم
عمیمانه تشکر کرد و به آنها درود
فرستاد. اعلام کرد که ما پیروز
شدم و به هدف خود رسیدیم. این
رژیمیها بودند که در پروژه خود
ناکام ماندند و رسوا شدند. وی
گفت این دو روز تصویر و نماد
کوچکی از فردای چهره سیاسی
ایران بود که مسئولین ریز و
درشت جناتیکار اسلامی در ابعاد
میلیونی و وسیع با مردم منزجر
ربرو خواهند شد. مردم معارض
این حکومت و مسئولان و
ماموارنش را همچون قاتلان و
جانبیان سی ساله در حلقه
محاصره خود خواهند گرفت و

آنها را تنبیه و مجازات خواهند
کرد. کار امروز ما بخشی از
اسلامی زمانی تمام میشود که
حکمتیست
بساط نکبتشنان را از تهران جمع
کرده باشیم. آنوقت حتما کمون و
است. تردیدی ندارم امروز همان
پلیس شهر گوتنبرگ هم از مخارج
مردم، هر کجا که هستند که
شنبیدن و دیدن عکس و فیلم
سرگذشت این دو روز از خفت و
رسوا کردن این جنایتکاران به
در برگزاری و سازماندهی
اعترافات دو روزه در شهر
وسیله ما عمیقا ابراز خوشحالی
خواهند کرد...
نجات پیدا خواهند کرد!!

خواهیم کرد. کار ما با جمهوری
حکمتیست
۱۹ مارس ۲۰۰۹
مجموعه ای از عکسها و فیلم و
خبر اعترافات این دو روز در
سایت www.iran-telegraf.com
در دسترس است.
توجه؛ همراه این اطلاعیه خبر این
دو روز تظاهرات را از زبان



کanal ۴ و یک سوئیز بیبند.
[http://svtplay.se/v/1484050/protesterar_mot_narvaro_a_v_iransk_ambasad](http://svtplay.se/v/1484050/protesterar_mot_narvaro_av_iransk_ambasad)
<http://anytime.tv4.se/webtv/?progId=739983>

کانال ۴ و یک سوئیز بیبند.
سیاسی، و جمعی از فعالین سیاسی
نقش مهمی را ایفا نمودند.
همکاری و همدلی در جمع
سازماندهنندگان سنگ تمام گذاشته
در شهر گوتنبرگ پایانی
نمیشناشد. این احساس برق است.
جمهوری اسلامی را فراری دادیم
اما هنوز کار ما با کمون یوتبوری
و مقامات سوئیز تمام نشده است.
ما بقه مسئولان شهری و پلیس را
کمیته گوتنبرگ تشکیلات شهری

غورو و خوشحالی و اعتماد بنفس
ما صفت هزاران نفره آزادیخواهان
و معترضین به جمهوری اسلامی
درشت جناتیکار اسلامی در ابعاد
میلیونی و وسیع با مردم منزجر
ربرو خواهند شد. مردم معارض
این حکومت و مسئولان و
ماموارنش را همچون قاتلان و
جانبیان سی ساله در حلقه
محاصره خود خواهند گرفت و

مرگ بر جمهوری اسلامی